



پدرام سلطانی

نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران

فعالیت دولت یازدهم را در دوفاز می توان دید. نخستین فاز آن طی یک سال و نیم ابتدایی اتفاق افتاد که دولت برای اصلاح خطاها و انحراف های دولت گذشته با سرعت تصمیم گیری کرد و توانست اقتصاد را از بحران پیش آمده نجات دهد، اما بعد از آن، دولت وارد فازی شد که برای آن برنامه مشخصی نداشت. در این دوره ناهماهنگی و اختلاف نظرهای بین وزارتخانه ها آشکارتر شد. اما اگر بخواهیم فعالیت و ارتباط دولت با بخش خصوصی را طی سه سال و نیم مورد ارزیابی قرار دهیم باید هر وزارتخانه را مجزا تحلیل کنیم تا نقاط ضعف و قوت مشخص شود.

۱- وزارت امور خارجه:

مسأله های که بخش خصوصی روی آن اجماع دارد تلاش وزارت امور خارجه در همراهی با سایر اجزای دولت، در مذاکرات هسته ای با گروه ۵+۱ بود. اگرچه رسیدن به برجام توسط یک وزارتخانه سیاسی انجام شد ولی بیشتر نتایج و منافع آن معطوف به بخش اقتصادی کشور بود. برجام توانست فضای کسب و کار را بهبود ببخشد.

۲- بانک مرکزی: اقداماتی که

در یک سال و نیم اول توسط بانک مرکزی و با همراهی وزارت اقتصاد صورت گرفت باعث شد اطمینان و ثبات به فضای اقتصادی کشور بازگردد. با انضباط پولی و مالی، نرخ تورم کاهش پیدا کرد و بازار ارز به آرامش رسید، اما از سال سوم بانک مرکزی برنامه ای برای متناسب سازی نرخ ارز نداشت. به گونه ای که وقتی نرخ تورم در مسیر کاهش قرار گرفت نرخ ارز جهش کرد. با توجه به اینکه طی سه سال اول ابتکار عمل دست بانک مرکزی بود، اگر حرکت نرخ ارز را به سمت تعدیل مابه التفاوت تورم داخلی و خارجی هدایت کرده بود این امر به رقابت پذیری بنگاه های اقتصادی کمک می کرد و جهشی نیز اتفاق نمی افتاد. در خصوص ارز نکته منفی دیگر در کارنامه بانک مرکزی اعلام چند باره ضرب الاجل برای تک نرخی کردن ارز بود که هیچ کدام محقق نشد.

۳- اما اقدام مهم دیگری که توسط بانک مرکزی صورت گرفت و بخش خصوصی از آن استقبال کرد ساماندهی بانک های خصوصی و برخورد با مؤسسات مالی بدون مجوز بود. بانک مرکزی برای ایجاد شفافیت و انضباط مالی در بانک ها و صیانت از حقوق سهامداران خرید، بانک ها را مجبور کرد گزارش های مالی خود را در استاندارد IFRS ارائه دهند. نظام بانکی کشور، به غیر از این دو سال اخیر، در ۱۰ سال گذشته رها بوده است و بار سنگین سوء استفاده و زیاده خواهی برخی سهامداران اصلی بانک ها روی دوش اقتصاد و تولید کشور افتاده بوده. از سوی دیگر، مؤسسات مالی غیر مجاز سلامت رقابت و انضباط نظام بانکی کشور را بشدت مخدوش کردند و عملاً به مثابه قاچاقچیان سپرده های بانکی در نظام بانکی کشور عمل کردند. بانک مرکزی با این مؤسسات هم برخورد نسبتاً قاطعی داشت اما حتی محکم تر وقایع تراز این هم می توانست برخورد کند.

۴- وزارت صنعت، معدن و تجارت: این وزارتخانه با توجه به اینکه اصلی ترین و نزدیک ترین وزارتخانه با حوزه های فعالیت بخش خصوصی است، نتوانست آنچه آن که باید و شاید انتظارات بخش خصوصی را برآورده کند، البته برخی اقدامات صورت گرفت ولی در عمل کافی نبود. از جمله اقداماتی که این وزارتخانه در آن نقش داشت می توان به برچیده شدن پیمان سپاری ارزی و اخذ مالیات از صادرات و ساده سازی و شفاف سازی در نظام تعرفه های کشور اشاره کرد. در بعد تجارت خارجی سال های اول تلاش های مورد انتظار را از سوی سازمان توسعه تجارت نمی دیدیم اما اخیراً تحکرات این سازمان افزایش داشته

است. مسأله دیگری که در این حوزه به بخش خصوصی ضربه زد توجه نکردن به صنایع کوچک بود. وزارت صنعت سیاست همه جانبه ای نداشت و عملاً در این مدت جهت گیری این وزارتخانه آشکارا در حمایت از صنایع بزرگ و غفلت از صنایع کوچک و متوسط بود. در حالی که نرخ رشد اقتصادی به آستانه ۷ درصد رسیده است، اما صنایع کوچک کمکان در رکود به سر می برند. این تناقض نشان می دهد که آثار رشد اقتصادی به بنگاه های کوچک و متوسط منتقل نشده است.

۵- وزارت نفت: این وزارتخانه در بعد بازاریابی استخراج و فروش نفت تحرک زیادی انجام داد و در برداشت از میادین مشترک پارس جنوبی کارهای قابل دفاعی دارد، اما این وزارتخانه در همکاری با بخش خصوصی بخصوص در



حوزه های پایین دستی و میان دستی بسیار ضعیف ظاهر شد. در شروع به کار دولت، وزیر محترم نفت اعلام کرد می خواهد مجال را برای بخش خصوصی بیش از بخش عمومی غیردولتی باز کند اما در عمل در کمکان بر همان پاشنه می چرخد. توجه به این نکته مغفول باقی مانده است که نفت به هر میزانی که استخراج شود برای کشور اشتغال ایجاد نمی کند؛ برای ایجاد اشتغال صحیح این است که صنایع پایین دستی تقویت شوند.

۶- وزارت جهاد کشاورزی: این وزارتخانه تلاش خوبی کرد تا الگوی کشت را به جهت بحران کم آبی تغییر دهد و برای مکانیزه کردن کشت هم اقداماتی صورت گرفت اما این وزارتخانه در حوزه صنایع غذایی نتوانست از بخش خصوصی حمایت لازم را بکند.

۷- وزارت اقتصاد: تلاش این وزارتخانه در کاهش نرخ تورم و ایجاد انضباط در سیاست های مالی مؤثر بود. همچنین در نتیجه رساندن اصلاح قانون مالیات های مستقیم، تدوین پیش نویس اصلاح قانون مالیات بر ارزش افزوده نیز تلاش خوبی انجام شد. اجرایی شدن فازهای تکمیلی سامانه نوین گمرکی نیز از کارهای شاخص این وزارتخانه بود، اما در بحث مقررات زدایی وزارت اقتصاد، به عنوان متولی قانونی این مهم، ضعیف عمل کرد.

۸- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: این وزارتخانه در تراز عملکرد و وزارتخانه های دولت یازدهم با نسیب موفق بود و در همکاری با بخش خصوصی کارنامه بهتری داشت، اما لازم بود در حمایت از استارت آپ ها و شرکت های دانش بنیان حوزه خود تلاش و حمایت بیشتری داشته باشد.

۹- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: سازمان تأمین اجتماعی به عنوان اصلی ترین دستگاه مرتبط با محیط کسب و کار در دایره این وزارتخانه به اذعان فعالان اقتصادی به مهم ترین مانع محیط کسب و کار تبدیل شده است. با وجود چندین بار وعده اصلاح موانع ناشی از رویه های تأمین اجتماعی، متأسفانه تاکنون اقدام لازم محقق نشده است.

در جمع بندی می توان تأکید کرد عملکرد اقتصادی سه و نیم ساله دولت یازدهم مجموعه ای از قوت و ضعف بود که نقاط قوت در نیمه اول این دوره آشکارتر و نقاط ضعف در نیمه دوم عیان تر بودند. چند ماه باقیمانده از این دولت زمان جبران مافات و برکردن نیمه خالی لیوان است. لازم است در این دوره وزارتخانه ها از فرورفتن در بوروکراسی بی هدف اجتناب کنند و در اصلاح عملکرد و بویژه حذف مقررات زائد تصمیم بگیرند.



محسن جلال پور

تحلیلگر اقتصادی

عملکرد دولت یازدهم که سال پایانی فعالیت خود را سپری می کند را می توان در سه مقطع کوتاه مدت (ماه های اول دولت)، میان مدت (۴ سال فعالیت دولت) و بلند مدت (۲۰ سال) طبقه بندی کرد. در فراوان اول عملکرد دولت بسیار خوب بوده است به گونه ای که در همان ماه های اول، آرامش به فضای اقتصادی کشور بازگشت. نرخ تورم کنترل و بسیاری از معضلات و گرفتاری هایی که از دولت قبل ایجاد شده بود حل شد و دولت از تصمیم های خلق الساعه و دمدمی پرهیز کرد. نکته دیگر آنکه اقتصاد به ریل عقل، تدبیر و کارشناسی برگشت. در میان مدت دولت می توانست کارنامه بهتری را به جای بگذارد. در این راستا توصیه ما این بود که دولت یازدهم چندین سرفصل را مدنظر قرار دهد یک آنکه در مسیر کوچک شدن، چابک سازی، کارآمدی و به روز بودن حرکت کند. دوم اینکه سیاست های جذب سرمایه های داخلی و خارجی اعلام شود. در کشور سیاست درستی مبنی بر جذب سرمایه گذاران خارجی تدوین نشده است لذا سرمایه گذاران نمی دانند در چه حوزه ای و تا چه درصدی می توانند سرمایه گذاری کنند. سوم اینکه باید و نبایدها باید در دوره ۴ ساله به آن پرداخته می شد. به عنوان مثال دولت اعلام می کرد که می خواهد به سمت کوچک سازی حرکت کند یا بزرگتر شدن یا در همین ابعاد باقی بماند. در این دوره نه تنها به کوچک تر شدن مجموعه های دولتی توجه نشد بلکه تا اندازه ای هم بزرگ تر شد. تصور بخش خصوصی این بود که دولت یازدهم می تواند اقتصاد را در مسیر شفاف هدایت کند اما متأسفانه شرکت ها و بنگاه های سالم ما همچنان زمینگیر هستند. از سویی بخش خصوصی برای این باور بود که پس از «برجام» از ایده و ظرفیت این بخش استفاده می شود اما این مهم رخ نداد و با تمام فریاد هایی که زده شد شرکت های دولتی نتوانستند طرف قرار داد سرمایه گذاران خارجی شوند. آنچه در «پاسپر جام» رخ داد این بود که شرکت های دولتی به لحاظ شفافیت مالی در بورس بودند و صورت های مالی شان حسابرسی شده بود لذا خیلی راحت تر و با آسانی نتوانستند با شرکت های خارجی مذاکره کنند. اما بخش خصوصی به دلیل اینکه پشتیبانی نمی شدند و صورت های مالی آنها شفاف سازی نشده بودند نتوانستند از فضای پاسپر جام بهره ببرند. بر این اساس اگر سرمایه گذاری خارجی جذب نمی شد بسیار بهتر از این بود که شرکت های دولتی با شرکت های خارجی قرارداد ببندند. این اتفاق در بلند مدت مشکلات کشور را دوچندان خواهد کرد. اگر اجازه داده می شد بخش خصوصی در این زمینه ورود کند به طور قطع به مرور زمان شاهد توسعه اقتصادی و اشتغالزایی پایدار بودیم. در شرکت های دولتی امکان رشد و توسعه اشتغال نیست و لذا با این نگاه یاد آوری شوم دولت یازدهم در این زمینه مسیر را اشتباه رفت. انتظار بخش خصوصی از دولت این بود که برای ۴ سال برنامه جامع داشته باشد که بر اساس آن پیش رود. در فراز سوم باید خاطر نشان کنم، نه این دولت بلکه دولت های گذشته هم نتوانستند کاری انجام دهند. ایران بعد از ۴۰ سال هنوز برنامه توسعه همه جانبه ندارد که کشور بر اساس آن حرکت کند. نبود چنین برنامه ای ابهام های زیادی را ایجاد می کند. در مدت ۱۴ ماهی که ریاست اتاق بازرگانی ایران را بر عهده داشتیم مصادف شده بود با اجرایی شدن برجام و ورود هیات های خارجی به کشورمان، آنها سوالاتی از ما می کردند که ما امکان پاسخ دهی نداشتیم. چرا که خیلی از باید و نبایدها مشخص نبود. این نشان می دهد تا زمانی که الگوی توسعه ایران تدوین نشود نمی توان دلخوش به حضور پررنگ سرمایه گذاران خارجی و حتی داخلی بود. خیلی از مباحث اقتصادی باید به صورت تخصصی و کارشناسی مورد تحلیل قرار گیرد و سیاستگذاران بر مبنای آن حرکت کنند. با این تفاسیر مطالبه فعالان بخش خصوصی از دولت دوازدهم این است که در ابتدای دولت با همکاری تمام قوا استراتژی توسعه کشور را تدوین و تمام بخش ها بر اساس آن، حرکت کنند.